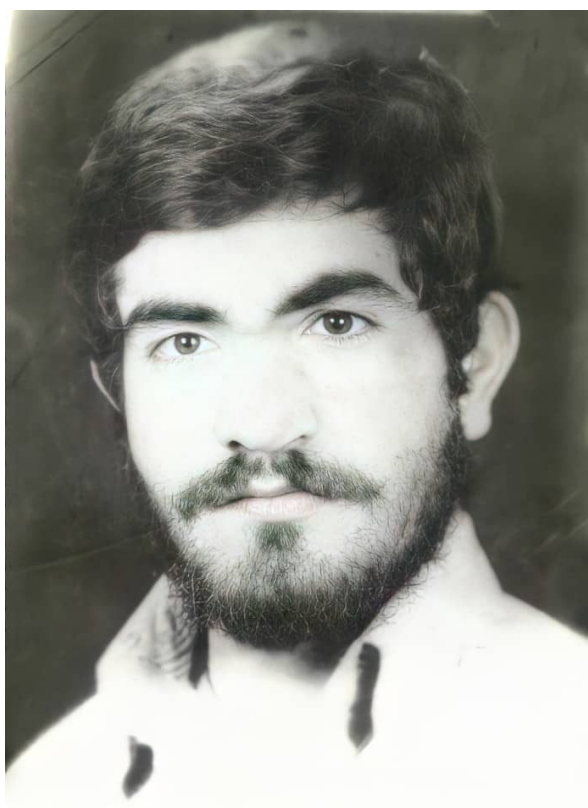


شهید حسین زنده بودی



سازمان جامع سرواران و دهکده شهید استان بوشهر

نام پدر	عبدالحسین
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۴/۲۷
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۱/۰۲
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	مسئول تعاون گردان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	دیپلم
مدفن	قباکلی

زندگینامه

سردار شهید حسین زنده بودی در سال ۱۳۴۳ در روستای قباکلکی به دنیا آمد. حسین از همان کودکی، از هوش بالا و سرشاری برخوردار بود تا آنجایی که به دلیل معدل بالایی که داشت توانست در مدرسه شبانه روزی سعدی بوشهر ادامه تحصیل دهد.

با شروع انقلاب اسلامی و مبارزات مردم ایران، حسین نیز فعالانه همراه مردم در همه برنامه ها شرکت میکرد. ایشان به شهرستان تنگستان و بوشهر می رفت، با پخش اعلامیه های امام در بین مردم علیه رژیم به روشنگری می پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب عضو فعال انجمن اسلامی بسیج قباکلکی بود و در مبارزه با منافقین و ضد انقلاب داخلی در روستا و محل تحصیل خود یعنی شهرستان تنگستان بسیار فعال بود. و با گروه های ضدانقلاب از جمله منافقین به بحث و گفتگو می نشست و سرسختانه از شهید بهشتی و دیگر یاران امام و خط امام دفاع می کردند. حسین اهل مطالعه و تفکامد

اندیشه بود و برای تقویت پایه های دینی و اعتقادی خود کتاب های شهید مطهری را مطالعه مینمودند. حسین در سال دوم دبیرستان بود که به صورت داوطلبانه عازم جبهه گردید و در عملیات بیت المقدس داوطلب رفتن روی مین شد، ولی چون داوطلب زیاد بود و قرعه کشی نمودند، قرعه به نام حسین نیفتاد. ایشان بعد از اینکه به عضویت سپاه در آمد در سال ۱۳۶۰ بار دیگر به جبهه اعزام گردید و در جبهه شوش مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و مجروح گردید. و سرانجام در سال ۱۳۶۱ در عملیات فتح المبین در حالی که فرماندهی دسته رزمندگان را بر عهده داشت به روی مین رفت و به فیض شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

و لا تحسبن الذين قتلو في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون.

کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده مپندارید زیرا آنان زنده اند و پیش خدا روزی می خورند.

من که با الهام به این آیه شریفه قرآن کریم و با پیروی از رهنمودهای امام که حسین وار پیام میدهند و علی وار قیام می کنند و محمد وار عمل می نمایند راه خود را ادامه داده تا به هدفی مقدس که در پیش دارم برسم و آن هدف رسیدن به الله است. من به برادرانم توصیه می کنم که ای رزمندگان اسلام امام را تنها نگذارید، اسلام را فراموش نکنید، آن را کنار نگذارید. برادر و برابری را از یاد نبرید زیرا پیروزی ما در آن است و روزی که ما خدا گونه شدیم، روزی است که همه مان با هم وحدت داشته باشیم روزی است که ملت ما همه شان یک حسین باشند، یک عمار باشند، یک ابوذر باشند، یک میثم تمار باشند، یک عمار یاسر باشند. چون ابوذر پیرو خالص محمد بود، عمار یاسر پیرو خالص محمد و قرآن و الله بود ما هم پیرو خالص الله و قرآن و محمد باشیم، زیرا سید و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) چگونه دیدیم کربلا حماسه آفریدند و امام حسین فرموده است: مرگ پرافتخار بهتر از زندگی ذلت بار است و ما هم پیروان راه حسین باید مرگ با شرافت را ترجیح دهیم بر زندگی با ذلت و باید در این راه پرافتخار الهی جان ناقابل خود را هدیه نماییم و در راه خدا شهید شویم. بگذار مال و اموالمان از دست داده ایم ولی چیزی را خریده ایم که از همه چیز بهتر است و آن بهشتی جاودان است که انشاء الله ما رهروان راه الله آن را بخریم و به آن هم همانا که شهدای ما رسیدند. من به پدرم وصیت می کنم بعد از مرگ من نگذارید که اسلحه من بروی زمین بیفتد پدر جان وقتی که جنازه را آوردند ولایت پدر جان بگوئید جنازه بنده را بگذارند روی زمین و روی من بردار و مرا ببوس ولی تو را خدا قسم می دهم که برای من گریه نکنید و وقتی که روی من بوسیدی برای من دعا کن خداوند این توشه پرافتخار را از من بپذیرد و جای من را در بهشت قرار دهند. به برادرم توصیه کنید تا گریه نکنند زیرا شهید گریه ندارد. و من خودم این راه را انتخاب کرده ام و مادرم هم روی من ببوسد. پدر جان من توصیه می کنم که بعد از اتمام مجلس ختم من در بسیج ثبت نام کنید و انشاء الله اعزام بشوید به جبهه و سنگر پسر را نگذار که سنگر من خالی شود و بهانه جویها را بگذارید کنار. خداوند صاحب تمامی وسایل ما انسانها است. خداوند صاحب جان ما و فرزندان ما است. پس ترس از مال و جان نداشته باشید، زیرا الله حامی تمام چیزها است.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران